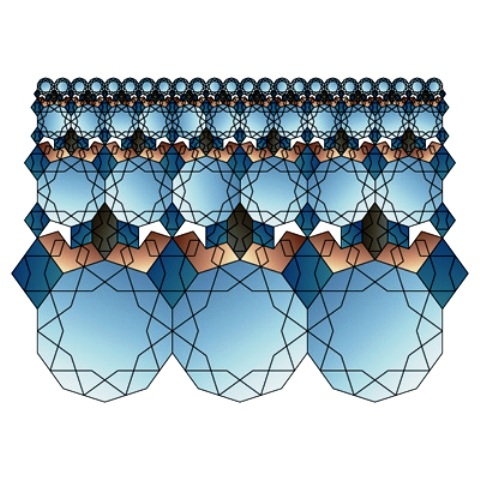
Top of Form

Bottom of Form

**هنرهای‌ سنتی‌ ایران**

**‌**

[ارسی](http://ashwood.ir/category/%d9%87%d9%86%d8%b1/%d8%a7%d8%b1%d8%b3%db%8c/), [گره چینی](http://ashwood.ir/category/%d9%87%d9%86%d8%b1/%da%af%d8%b1%d9%87-%da%86%db%8c%d9%86%db%8c-%d9%87%d9%86%d8%b1/), [معماری سنتی](http://ashwood.ir/category/%d9%87%d9%86%d8%b1/%d9%85%d8%b9%d9%85%d8%a7%d8%b1%db%8c/%d9%85%d8%b9%d9%85%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%b3%d9%86%d8%aa%db%8c/), [هنر](http://ashwood.ir/category/%d9%87%d9%86%d8%b1/), [هنر سنتی](http://ashwood.ir/category/%d9%87%d9%86%d8%b1-%d8%b3%d9%86%d8%aa%db%8c/), [هنر گره سازی](http://ashwood.ir/category/%d9%87%d9%86%d8%b1/%d9%87%d9%86%d8%b1-%da%af%d8%b1%d9%87-%d8%b3%d8%a7%d8%b2%db%8c/)



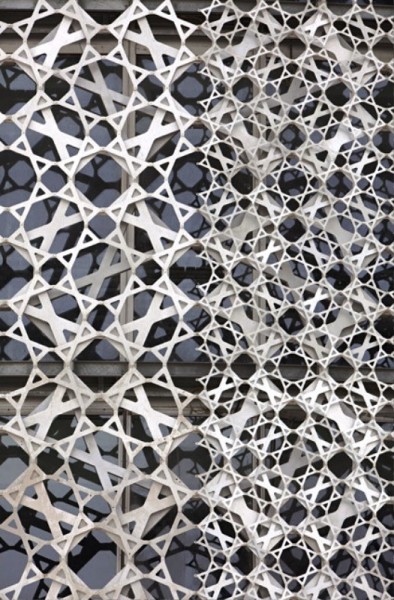
**هنرهای‌ سنتی‌ ایران‌**

**هنرهای‌ سنتی‌ ایران‌** ، تجلی‌ نمادین‌ جهانی‌ ابدی‌ و ازلی‌ است‌ که‌ این‌ جهان‌ را محلی‌ گذرا و واسطه‌ای‌ برای‌ رسیدن‌ به‌ مرتبه‌ای‌ والاتر به‌ منظور وصول‌ به‌ آرامش‌ درونی‌ می‌داند ؛ معماری‌ ایران‌ که‌ به‌ صورت‌های‌ گوناگون‌ در بناهای‌ مختلف‌ متجلی‌ گشته‌ ، جایگاه‌ خاصی‌ را داراست‌ که‌ در آن‌ ، عقاید و رسوم‌ و آیین‌ها در شرایط‌ جغرافیایی‌ و اقلیمی‌ نمود بارزی‌ دارد و حاصل‌ دسترنج‌ هنرمندانی‌ است‌ که‌ برای‌ اعتلای‌ این‌ هنر با تکیه‌ بر ایمان‌ خویش‌ ،از جانِ خود مایه‌ گذاشته‌ و در این‌ راه‌ از هیچ‌ کوششی‌ دریغ‌ نورزیده‌اند. همراه‌ با اساتید معماری‌، استادان‌ **صنایع‌ دستی‌** نیز با همان‌ تفکر فوق‌ اما تجلی‌ یافته‌ در هنرِ خاص‌ خویش‌، تکامل‌ بخش‌ و اثرگذار بر **معماری‌ سنتی‌ ایرانی‌** بوده‌اند .

تزیین‌ و آرایش‌ ساختمان‌ که‌ جزء لاینفک‌ معماری‌ محسوب‌ می‌شود در آجرکاری‌، کاشی‌ کاری‌، گچبری‌ و آینه‌ کاری‌ در کنار قالی‌ بافی‌، گلیم‌ بافی‌، قلمکاری‌ ، سفالگری‌، منّبت‌ کاری‌، کنده‌ کاری‌ چوب‌، **گره‌ چینی‌** و همچنین‌ سایر دست‌ آوردهای‌ صنایع‌ دستی‌ نمود یافته‌ و پیوندی‌ یگانه‌ ایجاد نموده‌ که‌ فضای‌ معماری‌ ایران‌ را آکنده‌ از زیبایی‌ معنوی‌ می‌سازد و این‌ خود زیبایی‌ ظاهری‌ را نیز به‌ همراه‌ دارد.  
معماری‌ با سایر هنرهای‌ ایرانی‌ ،تارهای‌ به‌ هم‌ تنیدة‌ یکپارچه‌ای‌ است‌ که‌ از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند ؛ به‌ ویژه‌ صنایع‌ دستی‌ که‌ علاوه‌ بر تزیینی‌ بودن‌ و جنبه‌های‌ زیبایی‌ شناسانه‌، نقش‌ کاربردی‌ در زندگی‌ روزمره‌ افراد جامعه‌ دارد. صنایع‌ دستی‌ به‌ دلیل‌ عدم‌ نیاز به‌ سرمایه‌گذاری‌ بسیار و وجود مواد اولیة‌ محلی‌ برای‌ تولید و وجود زمینه‌های‌ توسعه‌ در مناطق‌ مختلف‌ و ایجاد ارزش‌ افزودة‌ بالا، بخش‌ عظیمی‌ از نیروی‌ انسانی‌ و اقتصادی‌ ایران‌ را به‌ خود مشغول‌ کرده‌ است‌ و این‌ امر در **معماری‌ سنتی‌** نقش‌ ِ بارزی‌ دارد.  
**صنایع‌ دستی‌** و معماری‌ همواره‌ مکمل‌ یکدیگر بوده‌اند و دارای‌ ویژگی‌های‌ مشترک‌ می‌باشند . بناهای‌ ایرانی‌ مانند مسجد، مناره‌، خانه‌، باغ‌، پل‌، قلعه‌، آب‌ انبارها و… هر کدام‌ به‌ نوعِ خاصی‌ از صنایع‌ دستی‌ نیاز دارد که‌ برخی‌ از انواع‌ آن‌ کاشی‌ کاری‌، مشبّک‌ کاری‌، نقاشی‌ دیواری‌، منّبت‌ کاری‌ و غیره‌ است‌. تنوع‌ اقلیم‌ آب‌ و هوایی‌ در ایران‌ موجب‌ گوناگونی‌ بسیار در معماری‌ و تزیین‌ آن‌ گردیده‌ است‌ و در نتیجه‌ انواع‌ و اقسام‌ صنایع‌ دستی‌ در تزیین‌ معماری‌، نقشِ عمده‌ای‌ دارند.  
صنایع‌ دستی‌ در رشته‌های‌ گوناگون‌ همچون‌: قالی‌بافی‌ ،گلیم‌بافی‌، سفالگری‌ ،آبگینه‌ سازیِ محصولاتِ فلزی‌ ، سنگ‌تراشی‌، چوب‌ تراشی‌ ، حصیربافی‌ ، کاشی‌ کاری‌ تا رودوزی‌ها ارتباط‌ مستقیم‌ با معماری‌ دارد به‌ طوری‌ که‌ ساخت‌ شکل‌ آنها بستگی‌ به‌ فضای‌ معماری‌ سنتی‌ ایرانی‌ دارد و همین‌ طور بعضی‌ از اجزاء و فضاهای‌ معماری‌، متناسب‌ با کالاهای‌ صنایع‌ دستی‌ ساخته‌ می‌شود . معماری‌ سنتی‌ ایران‌ در ایجاد صورت‌های‌ مختلف‌ صنایع‌ دستی‌ نیز نقشِ عمده‌ای‌ را به‌ عهده‌ داشته‌ است‌ ؛ به‌ طور مثال‌ بافنده‌، اندازه‌ قالی‌ را براساس‌ وسعت‌ اتاق‌ها می‌بافد و سفالگر براساس‌ جایگاه‌ سفال‌ در فضای‌ ساختمان‌ شکل‌ و حجم‌ مورد نظر را می‌سازد . هماهنگی‌ صنایع‌ دستی‌ با معماری‌ نه‌ تنها از نظر فرم‌ و رنگ‌ بلکه‌ از نظر محتوایی‌ نیز هم‌ خوانی‌ دارد و هنرمند سعی‌ نموده‌، ارتباط‌ خویش‌ با طبیعت‌ و دیدگاه‌ معنوی‌ خویش‌ نسبت‌ به‌ هستی‌ را متجلی‌ سازد . **صنایع‌ دستی‌** به‌ علت‌ تنوع‌ و وسعت‌ در رشته‌های‌ گوناگون‌، کاربردهای‌ زیادی‌ در تزیین‌ معماری‌ دارد که‌ شامل‌ چهار بخش‌ می‌شود :  
1- تزیین‌ نمای‌ بیرونی‌ ؛  
2- تزیین‌ فضاهای‌ ورودی‌ ؛  
3- تزیین‌ درونِ بنا ؛  
4- تزیین‌ فضای‌ اتصالِ درون‌ و بیرون‌ بنا  
تزیینات‌ بیرونی‌ ساختمان‌ باید به‌ نحوی‌ باشد که‌ در برابر تغییرات‌ آب‌ و هوا و نور خورشید مقاوم‌ باشد و کیفیت‌ خود را از دست‌ ندهد. این‌ تزیینات‌ بیش‌تر شامل‌ کاشی‌ کاری‌ به‌ صورت‌ معرّق‌ یا هفت‌ رنگ‌ می‌باشد که‌ علاوه‌ بر تزیین‌ بنا با نقوش‌ و رنگ‌های‌ گوناگون‌، عایقی‌ در برابر برف‌ و باران‌ و گرما و سرما است‌. کاشی‌ کاری‌ در معماری‌ ایران‌ در واقع‌ شناسنامه‌ بنا می‌باشد و تاریخ‌ مشخص‌ و سیرِ تحولی‌ منظمی‌ را دارا است‌. با آغاز دوره‌ اسلامی‌، کاشی‌ کاری‌ در اماکنِ مذهبی‌ تجلی‌ خاصی‌ می‌یابد، محراب‌ و گنبدِ مسجد شیخ‌ لطف‌ ـ الله‌ و گنبدِ مزار شاه‌ نعمت‌ اللّه‌ ولی‌ در ماهانِ کرمان‌، مسجد کبود تبریز و گنبد مسجد چهار باغ‌ اصفهان‌، نمونه‌ بارز این‌ هنر می‌باشد .  
کاشی‌ کاری‌، مهمترین‌ ویژگی‌ تزیین‌ معماری‌ سنتی‌ ایران‌ است‌ که‌ ادامة‌ همان‌ آجرکاری‌ است‌. نکته‌ حائز اهمیت‌ در کاشی‌ کاری‌ ایران‌ رنگ‌ لعاب‌ است‌، رنگ‌ کاشی‌های‌ ایرانی‌ اکثراً فیروزه‌ای‌ و لاجوردی‌ بوده‌ و رنگ‌های‌ سفید و سبز و طلایی‌ نیز در درجه‌ دوم‌ می‌باشد و این‌ رنگ‌ها در بین‌ هنرهای‌ سنتی‌ ایران‌ مشترک‌ می‌باشند .  
فضاهای‌ ورودی‌ بنا در معماری‌ ایرانی‌ و خصوصاً بناهای‌ مسکونی‌ و مذهبی‌ بخشِ مهمی‌ را به‌ خود اختصاص‌ داده‌ است‌ که‌ با پوششی‌ به‌ صورت‌ سایه‌بان‌ با طاق‌ کمانی‌ همراه‌ بوده‌ است‌ .تزیین‌ این‌ قسمت‌ از بنا عموماً کاشی‌ کاری‌ است‌، در ضمن‌ نمونه‌های‌ آینه‌کاری‌ و مشبک‌ کاری‌ آجری‌ نیز وجود دارد . آینه‌ کاری‌ از هنرهای‌ ظریفی‌ است‌ که‌ در نماسازی‌ داخلی‌ بناها، در بالای‌ ازاره‌ها ، زیردورها ، طاق‌ها، رواق‌ها ، شبستان‌ها، سرسراها و موارد دیگر به‌ کار می‌رود . مقرنس‌ کاری‌ و گچ‌ بری‌ نیز از تزیینات‌ معماری‌ محسوب‌ می‌گردد. مقرنس‌ کاری‌ که‌ تداوم‌ آجر چینی‌ است‌ توازنی‌ را القا می‌نماید که‌ گویی‌ وظیفه‌ انتقال‌ سقف‌ یا گنبد بر پایه‌ها را داراست‌ و همانند نسبت‌ آسمان‌ به‌ زمین‌ است‌ .  
تزیینات‌ داخلی‌ یک‌ بنا نسبت‌ به‌ نوع‌ آن‌ تفاوت‌های‌ گوناگونی‌ دارد و این‌ تفاوت‌ در دوره‌های‌ گوناگون‌، تنوع‌ بیش‌تری‌ به‌ خود می‌گیرد ولی‌ در همة‌ آنها وجوه‌ مشترکی‌ نیز وجود دارد و از آن‌ جمله‌ ایجاد فضایی‌ است‌ که‌ انسان‌های‌ استفاده‌ کننده‌ از آن‌ بنا، آمالشان‌ در آن‌ تحقق‌ می‌یابد و آرامش‌ می‌یابند. در تزیین‌ داخلی‌ یک‌ بنا از تنوع‌ هنر صنایع‌ دستی‌ استفاده‌ بیش‌تری‌ می‌توان‌ نمود. قالی‌ علاوه‌ بر زیرانداز بودن‌ یکی‌ از اجزای‌ مهم‌ در تزیین‌ فضای‌ داخلی‌ بناهای‌ ایرانی‌ می‌باشد. زیرا کف‌ بنا را که‌ انسان‌ها بر آن‌ می‌نشینند و می‌خوابند، می‌پوشاند و گاه‌ نیز به‌ عنوان‌ تزیینی‌ زیبا بر دیوار کوبیده‌ می‌شود و گاهی‌ نیز از قالی‌های‌ دو طرفه‌ به‌ عنوان‌ سطحی‌ جدا کننده‌ بین‌ دو فضا استفاده‌ می‌شود. نزدیکی‌ طرح‌ و نقشِ قالی‌ با نقوشِ کاشی‌، نزدیکی‌ و انسجامِ هنرهای‌ ایرانی‌ را بیان‌ می‌دارد

زیر اندازهای‌ دیگری‌ چون‌ گلیم‌ ،جاجیم‌ و منسوجات‌ سنتی‌ و پرده‌های‌ قلمکار با کاربردهای‌ گوناگون‌ و وسایل‌ تزیین‌ شده‌ با خاتم‌ و منّبت‌ و معرق‌ چوب‌، انواع‌ رودوزی‌ها و اشیای‌ فلزی‌ ، همه‌ و همه‌ ،آرایش‌ دهنده‌ محل‌ زندگی‌ ایرانی‌ می‌باشند. صنایع‌ دستی‌ در معماری‌ ایران‌ تنها نقشِ مزّین‌ کنندة‌ فضا را ندارند بلکه‌ هر کدام‌ در جایگاه‌ خود کاربردهای‌ گوناگونی‌ دارد . تزیین‌ بین‌ فضای‌ داخلی‌ و خارجی‌ شامل‌ درها و پنجره‌هاست‌. «درِ» بناها که‌ در گذشته‌ از چوب‌ ساخته‌ می‌شد مأوایِ سرپنجه‌ هنرمندانِ منّبت‌ کار و فلز کار بود. «در»های‌ کنده‌ کاری‌ شده‌ و منبت‌ کاری‌ همراه‌ با کلون‌های‌ بسیار زیبای‌ فلزی‌ ،جایگاه‌ و اهمیت‌ بنا را روشن‌ می‌ساخت‌. نقوشِ ایجاد شده‌ بر روی‌ درها هم‌ چون‌ نقوشِ نمادین‌، در هنرها جلوه‌گاهِ تفکر و فرهنگِ ایرانی‌ است‌. نقش‌ «خورشید» که‌ مهم‌ترین‌ نقشِ موجود بر روی‌ درها می‌باشد، علامتی‌ برای‌ روشنی‌، برکت‌ و سلامتی‌ برای‌ صاحبخانه‌ است‌ . پنجره‌ نیز که‌ اشاعه‌ دهنده‌ نور و روشنی‌ به‌ فضای‌ داخلی‌ می‌باشد اکثراً با چوب‌، گره‌ چینی‌ می‌شود .و گاه‌ با شیشه‌های‌ رنگین‌ ،رنگین‌ کمانی‌ از نور را در فضای‌ داخلی‌ ایجاد می‌نماید  
**گچ بری**  
ايرانيان از ديرباز با عنصري به نام “گچ” آشنائي داشته اند. اين نكته را كشف آثار گچي در هفت تپه خوزستان كه مربوط به تمدن ايلامي است تائيد مي كند. به يقين اشكانيان و هخامنشيان نيز با اين عنصر و تكنولوژي ساخت تزئينات گچي آشنا بوده اند. گچبريهاي كوه خواجه در جنوب شرقي ايران مربوط به تمدن اشكاني است.  
در عصر ساساني تكنيك و روشهاي خاص به همراه نقوش مختلف حيواني،‌ انساني،‌ گياهي و هندسي مورد توجه قرار گرفت و با تلفيق روشهاي مختلف مناظر جالب توجهي به دست آمد كه باعث شد تحولاتي در هنرهاي ديگر آن عهد و آغاز اسلام بوجود آيد.  
با گسترش اسلام در ايران طرحهاي مختلف همچون “اسليمي” و “ختائي” در تزئين مساجد و مدارس به كار گرفته شد و در گچبري هاي بدست آمده تا زمان مغول از بهترين طرحها و نقشه ها استفاده مي شد. بطوري كه تا پيش از رواج كاشيكاري، گچ تنها عامل زيبائي و تزئين بناها و فضاهاي مذهبي شد محراب مسجد جامع اصفهان بيانگر رشد و شكوفائي اين هنر مي باشد.  
با روي كارآمدن صفويان از گچبري تنها در داخل منازل اعيان و اشراف وقت استفاده مي شد و تا دوران قاجار نيز استفاده از گچ ادامه داشت. در دوران پهلوي به دليل رواج گچبريهاي پيش ساخته اين هنر در سراشيبي سقوط قرار گرفت بطوري كه امروز استادان گچبر قديمي تنها به مرمت آثار باقي مانده از قديم مشغول هستند و كمتر استادكاري در پي خلق آثار بديع و جالب است.  
امروز برخي از آثار گچبري در ايران از شهرتي عالمگير برخوردار هستند. از ديگر هنرهائي كه در گچبري مورد استفاده قرار مي گيرند خطوط اسلامي و به خصوص خط نسخ مي باشند.  
از محرابهاي معروفي كه با گچبري تزئين شده اند. محراب مسجد ملك كرمان (مربوط به سال 477 هجري قمري)، محراب مسجد زواره (در نزديكي اردستان با تاريخ 530 هجري قمري)،‌ محراب مسجد اولجايتو در مسجد جامع اصفهان (مربوط به سال 710 هجري زمان حكومت سلطان محمد خدابنده،‌ معروف به اولجايتو و محراب مسجد آقانور(كه در سال 1039 هجري قمري ساخته شده است) مي باشد.  
از اساتيد معروف اين هنر در حال حاضر استاد رضا اعظمي و استاد حسن رياحي هستند. از آثار معروفي كه استاد اعظمي ساخته است محراب گچبريهاي هارونيه است.  
از آثار استاد حسن رياحي نيز مي توان به گچبري هائي كه در خانه هاي قديمي به جا مانده از دوران صفويه و قاجار همچنين بازسازي گچبريهاي خانه معروف امام جمعه و مرمت و قطاربندي ها و آينه كاريهاي شهشهان اشاره كرد.  
در سالهاي پس از پيروزي انقلاب سازمانهاي ذيربط و مسئول همچون سازمان ميراث فرهنگي و ساير نهادها با استفاده از استادكاران و شاگردان مستعد آنان به مرمت بسياري از شاهكارهاي گچبري بناهاي قديمي پرداخته و در راه احياء اين هنر اصيل ايراني گام هاي موثري برداشته اند.  
**مقرنس کاری**  
یکی از عناصر تزیینی معماری که در زیبا ساختن بناهای ایرانی بخصوص مساجد و مقبره ها نقش مهمی دارد مقرنسکاری است. مقرنسها که شباهت زیادی به لانه زنبور دارند، در بناها به شکل طبقاتی که روی هم ساخته شده برای آرایش دادن ساختمانها و یا برای آنکه به تدریج از یک شکل هندسی به شکل هندسی دیگری تبدیل شود،به کار می روند. این مقرنسها را می توان ازجمله وسایل موثر ساختن گنبد ها دانست، که بعدها محتوای نظری اولیه را از دست داده و بیشتر برای تزیین به کار رفت.  
برخی معماران ایرانی نیز که این مقرنسها را در جبهه ساختمانها به کار می برده اند در ساختن آنه مهارت را به حدی رسانده اند که نمی گذاردند موجب سنگینی ساختمان شود و بر اصل و پایه فشار آورد. با مشاهده شکلهای طبیعی قندیلهای یخی و آهکی درون غارها در می یابیم که به احتمال زیاد هنرمندان نخستین این فن از همان قندیلها برداشتی هنرمندانه کرده اند و عینا آن را در سطوح داخلی و خارجی بناها با استفاده از آجر گچ و یا سیمان به کار گرفته اند. مقرنسها معمولا در سطوح فرو رفته گوشه های زیر یقف ایجاد می شود. اما محل قرار گیری این عنصر تزیینی میتواند در بالای دیوارها،سقفها گوشه ها سردرها و … باشد.  
**مقرنسها از لحاظ شکل به 4 دسته تقسیم می شوند:**  
1- مقرنسهای جلو آمده: مقرنسهایی را میگویند که مصالح آن از خود بناست. و در نهایت سادگی و بدون هیچگونه پیرایه ای به صورت آجر یا گچی ،انتهای سطوح خارجی نمای بیرون ساختمان را آرایش می دهند و استحکام آنها زیاد است.  
2- مقرنسهای روی هم قرار گرفته: گذشته از مصالح به کار رفته اصلی بنا مانند گچ و آجر وسنگ، در سطوح داخل و خارج بنا به کار می روند. و غالبا در چند ردیف (دو تا پنج یا بیشتر) روی هم قرار دارند و دارای ثبات متوسطی است.  
3- مقرنسهای معلق: شبیه همان منشورهای آهکی آویزان در غارهاست که اصطلاحا استلاکتیت نامیده میشوند. و غالبا از چسباندن مواد مختلف چون گچ، سفال ،کاشی و … به سطوح مقعر داخل بنا صورت می گیرند. که اویزان به نظر میرسند و دارای ثبات کمی می باشند.  
4- مقرنسهای لانه زنبوری: چنانکه از تام این دسته از مقرنسها پیداست،شبیه لانه زنبور و در مجموع کندوهای کوچک بر روی هم قرار گرفته اند. این دسته از نظر شکل ظاهری شبیه به مقرنسهای معلق اند.  
مقرنس در دو قرن پنجم و ششم هجری قمری و یا به عبارتی در دوره سلجوقیان در مرحله تحول سریع قرار گرفت در اکثر بناهای این دوره مقرنسهای زیبایی دیده می شوند. آشکار ترین نمونه معماری عهد سلجوقی مسجد جامع اصفهان است که گنبد مقرنس کاری شده آن از شاهکارهای معماری اسلامی به شمار می رود

**آجرکاری و آجربندی**

[](http://ashwood.ir/%da%af%d8%b1%d9%87-%da%86%db%8c%d9%86%db%8c-%d9%88-%d8%a7%d9%84%da%af%d9%88%db%8c-%d8%b3%d9%86%d8%aa%db%8c-%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85%db%8c/%da%af%d8%b1%d9%87-%da%86%db%8c%d9%86%db%8c-%d9%88-%d8%a7%d9%84%da%af%d9%88%db%8c-%d8%b3%d9%86%d8%aa%db%8c-%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85%db%8c-3/)

گره چینی و الگوی سنتی اسلامی

**آشنایی با هنرهای سنتی ایران**



**صنایع فلزی**

امروزه با توجه به تجربه های چند هزار ساله و پیشرفت دانش بشری در رشته گوناگون هنرمندان با استفاده از فلزاتی چون طلا – نقره – مفرغ – برنج – مس – ورشو و فولاد به ساخت و تزئین اشیاء می پردازند. این رشته ها عبارتند از: دواتگری – قلمزنی – چاقو سازی – قفل سازی – کوفته گری – طلاکوبی – زرگری – ملیله سازی – فیروزه کوبی – مینا کاری و…

**قلمزنی**

در زمینه ی قلمزنی بر روی فلزات، اصفهان می تواند مهد این هنر قلمداد شود. هر چند که در سایر نقاط ایران مانند تهران نیز در این زمینه فعالیت دارند. مواد اولیه قلمزنی فلزات مس و برنج و در کارهای خیلی ظریف نقره یا طلا می باشد.  
دو گروه ابزار جهت قلمزنی یا به طور کلی صنایع فلزی مورد استفاده قرار می گیرد.  
1- ابزار برای ساخت زیر کار محصول: دستگاه خم کاری، موتور فرچه، کوره، سندان و چکش.  
2- ابزار قلمزنی: دستگاه قیر آب کنی، پرگار، چکش قلم زنی، انواع قلم با شماره ها و نوکهای مختلف که مقطع هر کدام شکل و نقشی متفاوت دارد.  
نحوه ی کار: بعد از ساخت زیرکار ابتدا پشت کار را با قیر می پوشانند به جهت جلوگیری از خم شدن فلز در هنگام چکش زدن و همینطور جلوگیری از صدای زیاد، سپس طرح را بر روی زمینه منتقل و با قلمهائی که مقطع آنها به شکلهای متفاوت است شروع به قلمزنی می کنند.  
در قلمزنی شیوه های متفاوتی وجود دارد از قبیل عکس، زمینه پر، منبت، برجسته، مشبک، قلمگیری.  
شیوه ی زمینه پر: با ایجاد بافت در زمینه بدون اختلاف سطح طرح مورد نظر را نشان می دهند.  
شیوه ی منبت: با ایجاد اختلاف سطح بین زمینه و نقش که بستگی به قطر فلز دارد نقش نمایان می گردد (تصویر 25)

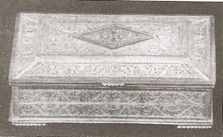


(تصویر 25)

شیوه ی برجسته: اختلاف سطح بیشتر از روش منبت است و از دو جهت به ظرف ضربه وارد می شود. زمینه از بیرون پائین رفته و موضوع از پشت بالا می آید و نقش برجسته نشان داده می شود. برای ظروفی که امکان ضربه زدن از ظرف مهیا است مورد استفاده قرار می گیرد.  
شیوه ی مشبک: در این روش زمینه بریده شده و نقش نمایان می شود. در این روش طرح باید از لحاظ خطی به یکدیگر متصل باشد.  
شیوه ی قلمگیری: با ایجاد خراش و شیار فلز تزئین پیدا می کند.

**ملیله کاری**

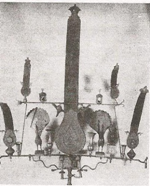
در ایران قدمتی در حدود 550 تا 330 ق.م دارد و قدیمی ترین آن مربوط به دوران اشکانی است. این هنر در اصفهان، زنجان، تهران، تبریز و شیراز انجام می شود. تولیدات اصفهان بیشتر تزئینی است و تولیدات زنجان بیشتر جنبه ی مصرفی دارند و در تهران نیز در زمینه ی ساخت جواهرات انجام می شود.  
ماده ی اصلی در حال حاضر نقره است، بدین ترتیب که شمشهای نقره را ذوب کرده و در قالب به شکل مفتولهائی با قطر یک سانتی متر در می آورند، سپس در دستگاه حدیده مفتولها را کوچکتر و ریزتر می کنند.  
طریقه ی کار بدین شکل است که ابتدا براساس شی یا طرحی که می خواهند بسازند مفتولها را روی میز با خم کردن و ایجاد شکلهای دلخواه کنار هم قرار می دهند این میز معمولاً از جنس فلز است (چدن) قبل از چیدن مفتولهای شکل داده شده، زمینه ی کار را بوسیله ی موم پر می کنند و یک رشته ی سیم ضخیم به دور قالب قرار می دهند تا محیط آن مشخص شود. بعد از چیدن مفتولها میز را گرم کرده و طرحها از موم جدا می شوند سپس محل اتصالات را با پودر براکس و پودر نقره پر می کنند و با حرارت آنها را به هم متصل می کنند چون در اثر حرارت رنگ نقره کدر می شود آن را در محلول اسید استیک شستشو داده و براق می کنند و در نهایت به شکل ظرف یا اشیاء دیگر خم می کنند (تصویر 26)



(تصویر 26)

**کوفته گری**

در اصل همان ساخت اشیاء آهنی است که در آثار هنری با فولاد ایجاد شده و توسعه یافته است و از دوران هخامنشیان تا امروزه رواج داشته است.  
آنچه امروزه از آن یاد می بریم که استفاده از فولاد و زرگری و طلاکوبی روی آن است از زمان سلجوقیان رواج یافته است.  
در دوره ی صفویه بخاطر رسمیت یافتن مذهب شیعه در ساخت علم و کتل از آن استفاده کرده اند. در کوفته گری ابتداء طرح را روی ورق فولادی منتقل کرده و آن را می برند. ورق را در کوره قرار داده و بعد از سرخ شدن با سندان و چکش کاری آن را شکل می دهند سپس اجزاء آن را با جوش آهن یا برنج به یکدیگر متصل می کنند (تصویر 27)



(تصویر 27)

**طلاکوبی و نقره کوبی**

ایجاد زمینه ای با طلا یا نقره بر روی فولاد را طلا کوبی یا زرکوبی یا مطلا کاری و در صورت استفاده از نقره، نقره کوبی گویند.  
ابزار عمده زرکوب کارد طلاکوبی است. ابتداء زمینه ی را با کارد طلاکوبی کنده و سپس مفتول طلا یا نقره را در آن گذاشته و با چکش می کوبند. سپس با سنگ عقیق یا یشم پرداخت می کنند. در گذشته بر روی زمینه های مس – برنج و مفرغ انجام می شده است ولی امروزه بر روی زمینه ی فولادی انجام می شود بخصوص در شهرهای اصفهان و تهران (تصویر 28)



(تصویر 28)

**زرگری و جواهر سازی**

ساخت زیورآلات از طلا یا نقره را می گویند و اگر از سنگهای قیمتی استفاده شود آن را جواهر سازی می گویند.  
در زرگری ممکن است از تمام شیوه های مرسوم در صنایع فلزی استفاده گردد تا در نهایت به ساخت یک شیء ظریف و زیبا ختم شود. زیورآلات هر منطه ویژگی های خاصی دارد که تابع فرهنگ و سنتهای همان منطقه است.  
زرگری زیورآلات به شیوه سنتی در استانهای فارس – سیستان و بلوچستان – گلستان – آذربایجان شرقی – کردستان – هرمزگان و خراسان و همینطور در بعضی از عشایر رواج دارد (تصویر 29)



(تصویر 29)

**دواتگری**

ساخت اشیاء فلزی با روش سرد را دواتگری می گویند که قدمت زیادی داشته و ابتدا دواتگران با کوبیدن قطعه سنگ بر روی فلز اشیاء خود را ایجاد می نمودند. ولی امروزه با استفاده از ابزار، اینکار صورت می گیرد، سه روش دواتگری وجود دارد یک تکه یا بدون درز – چند تکه یا درزدار – استفاده از دستگاه یا خم کاری.  
1- روش یک تکه: در این روش ورق فلز را به شکل دایره در آورده و مرکز آن را روی سندان می گذارند و لبه ی کار ر می بندند، در حین چکش کاری می توان انحناهای گوناگون را به بدنه داد (تصویر 30)



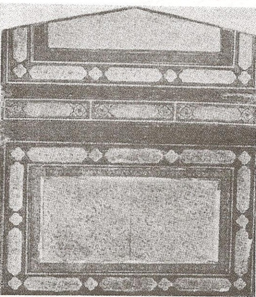
(تصویر 30)

2- روش چند تکه یا درزدار: ابتدا ورقه ای مستطیل شکل را بر اساس طرح ظرف انتخاب کرده و سپس لبه های آن را چکش کاری کرده و در یکدیگر درگیر می کنند و جای آن را جوش می دهند و یک استوانه مکعب به دست می آید سپس با چکش کاری فرم مورد نظر بدست می آید. این روش برای قلم زنی مناسب نیست.  
3- روش استفاده از دستگاه یا خم کاری: در این روش ورقه فلز را در داخل قالب قرار داده و با پرس کردن ورق فلزی به قالب، شکل قالب را به فلز می دهند. این روش بیشتر صنعتی است.

**صحافی (کتاب و ساخت آن)**

مهمترین جلدها

1- جلد ضربی (کوبیده): ابتدا طراح یا مذهب کار طرح را روی برنج پیاده کرده و سپس قلمزن آن را حکاکی می کند. سپس صحاف آن را بر روی چرمی که قبلاً آماده و در آب نم برداشته است کوبیده و نقش را بر روی آن ضرب می کند. در صورت لزوم جای خالی نقشها با طلا یا نقره آراسته می شود (تصویر 31)



(تصویر 31(

2- جلد سوخت: شبکه کردن چرم بوسیله قالبهای نقش دار تحت اثر قالب داغ و چسباندن آن روی چرمهای دیگر. به دلیل سوزاندن چرم به جلد سوخت معروف است (تصویر 32(



)تصویر 32(

3- جلد لاکی (روغنی): به نقاشی یا تذهیب بر پشت و روی جلد مقوائی و پوشانیدن آن با پوششی از روغن کمان یا لاک الکل می گویند. در این شیوه نقش صحاف در حد درست کردن مقوا و عطف می باشد و بیشتر کار، توسط نقاش صورت می گیرد. از استادان این فن آقای «حسین اسلامیان» است و یکی از آثار ارزشمند او «چوگان بازی» است. در این روش اگر از مقوای پاپنه ماشه استفاده شود به آن جلد پاپیه ماشه نیز می گویند. مقوای پاپیه شده از خمیر کردن کاغذهای باطله به همراه الیاف نساجی و چسب (سریشم) و قرار دادن آن در زیر پرس و شکل گرفتن ورقه های ضخیم و مقوائی ایجاد می شود.  
4- جلد معرق: مانند سوخت است. با این تفاوت که چند طرح و رنگ با یکدیگر چفت می شوند. به عبارت دیگر ابتدا مذهب کار،  
طرح مورد نظرش را در پشت چرم طراحی می کند و سپس جلد ساز چرمهای رنگی از قبل بریده شده را کنار هم قرار می دهد. از استادان معاصر این فن آقای «علی اصغر اسفرجانی» (تصویر 33) متولد سال 1299 در اصفهان و فارغ التحصیل مدرسه صنایع مستظرفه را می توان نام برد.



)تصویر 33(

5- جلد مرغش: شبیه جلد روغنی یا لاکی است با این تفاوت که در این نوع، زمینه ی اصلی با استفاده از سنگهای خرد شده تزئینی و ذرات معدنی، آراسته شده و سپس روی آن را با روغن، جلا می دهند.  
6- جلد مخملی: استفاده از پارچه ی مخمل برای روکش جلد را گویند.  
7- جلد زری: روکش جلد با پارچه ی زری که از زمان صفوی مرسوم گردید.  
8- جلد قلمکار: استفاده از پارچه قلمکار جهت روکش جلد را گویند.  
9- جلد ترمه: استفاده از پارچه ی ترمه جهت روکش جلد که اززندوقاجار مرسوم گردید.

نام و محل تزئینات بر روی جلدها

1- ترنج: به صورت مدور یا بیضی شکل است و ترکیبی است از نقوش اسلیمی و ختائی یا حیوانی و بعضاً خطوط خوشنویسی که در وسط صفحه بکار می رود.  
2- شمسه: همانطور که از اسمش پیداست شبیه خورشید بوده و در وسط صفحه قرار می گیرد. شکل آن مدور بوده، منقش و زراندود است و مانند ترنج در وسط قرار می گیرد.  
3- سرترنج: لوزیهای کنگره دار که برای پر کردن جای خالی در بالا و پائین ترنج قرار می گیرد.  
4- کتیبه: چهارگوشه مستطیلی که حاشیه صفحات را با نقوش دایره و نیم دایره و ربع دایره پر و داخل آن با نقوش مختلف پر می شود.  
5- لچکی: نقوش که حالتی سه ضلعی و مثلث شکل داشته و در گوشه های صفحه و به همراه ترنج بکار می رود.

**اصطلاحات – ابزار و وسایل صحافی و جلد سازی**

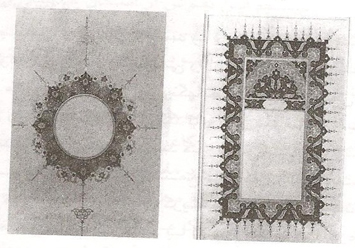
1- شمیز: اسم لفافه ی کاغذی که نوشته های اداری را در آن گذارند – و واژه ای فرانسوی است و همین طور به جلدهای مقوائی کتاب گویند.  
2- آستر بدرقه: در اصطلاح صحافی، ورق کاغذی است که نصف آن به مقوای جلد کتاب چسبیده و نصف دیگر آن اولین ورق کتاب را تشکیل می دهد. طرف دیگر آستر بدرقه نیز به همین ترتیب است.  
3- پیزری: در اصطلاح به معنی فرسوده است و در اصل پیزر گیاهی است که در بیشه زارها می روید و شکل آن مانند برگهای گندم و چون در ساخت این نوع کاغذ به کار برده می شد بدین نام معروف گشت.  
4- زرتی: املای دیگر فزرتی به معنی سست و کم دوام می باشد. و از آنجا که این نوع کاغذ بی دوام است آن را زرتی می گویند.  
5- شورو: از نظر لغوی به پوست بزغاله اطلاق می شود، ولی در این صنعت به چرمهایی که از پوست بز و بزغاله تهیه می شود گویند.  
6- میشن: پوست میش دباغی کرده را گویند که در جلد سازی مورد استفاده قرار می گیرد.  
7- گالینگور: مأخوذ از کلمه ی روسی به معنی مشمع است.  
8- شیرازه: نوار پارچه ای باریک به ضخامت 1 تا 5 /1 سانتی متر که یک سمت آن دارای حاشیه ای رنگین و حدود یک میلی متر می باشد. از شیرازه برای چسباندن بالا و پائین عطف کتاب استفاده می شود.  
9- طلا: در صحافی برای طلاکوبی جلد بکار می رود انواع مختلف آن عبارتند از: هشت در هشت، پشت چسب، بوبینی، شانزده در شانزده.  
10- سنگ: قطعه ای سنگ مرمر در ابعاد 40 × 35 و ضخامت 15 میلی متر است که به عنوان زیر دستی استفاده می شود و اغلب کارهای ته بندی و جلد سازی بر روی آن انجام می شود.  
11- قید: وسیله ای است چوبی به طول 50 تا 100 سانتی متر که برای نگه داشتن کتاب به هنگام اره کردن، طلاکوبی و چسب زدن به عطف کتاب مورد استفاده قرار می گیرد.  
12- کارگاه: وسیله ای چوبی که برای دوختن کتاب به کار می رود.  
13- اُسکور: ابزاریست چوبین که گاهی از جنس استخوان نیز تهیه می شود. یک طرف این وسیله باریک و سمت دیگر آن دارای شیار می باشد. از کناره ی آن برای تا کردن کاغذ و چسباندن لبه های چرم به مقوا و از نوک برای جا ناخنی انداختن و از شیار آن برای خط انداختن بر دور کتاب استفاده می شود.  
14- مشته: جسمی است برنجی شبیه دسته ی هاون با ارتفاعی کمتر و سطح مقطعی بزرگتر. این وسیله برای کوبیدن (ته کوبی) و گرد کردن عطف کتاب و کوبیدن چرم پس از چسباندن روی مقوا استفاده می شود.  
15- پرس: برای پرس کتاب و چسباندن اجزاء آن بکار می رود.  
16- شفره: کارد آهنی با دسته ای چوبین و لبه ای تیز و برنده، شبیه به وسیله ای بنام گزن در کفاشی.  
17- گوشه گرد کردن: وسیله ای آهنی است با دسته ی چوبی و نوک تیز و برنده به شکل نیمه استوانه جهت گرد کردن لبه ی مقوای جلد.  
21- ماشین برش  
22- مقوا بری  
23- گیره ی طلاکوبی  
18- گارسه: جعبه ای است چوبی به ابعاد 80 × 100 سانتی متر و عمق 5 سانتی متر با خانه های متعدد که در درون هر خانه مقدار زیادی از یک حرف قرار دارد.  
19- حروف: تکه فلزاتی از جنس آلیاژ (سرب – قلع و آنتیموان) با سه بعد که در سطح فوقانی آنها نوشته ای به طور برجسته وجود دارد.  
20- داغی (خط زن): وسیله ای برنجی با دسته ی چوبی و لبه ای نسبتاً باریک شامل دو خط و منحنی – برای داغ کردن و خط زدن چرم جلد کتاب.

**روشهای صحافی**

1- روش چسباندن: در این روش بعد از دسته کردن کاغذها و چسب زدن انتهای آنها شیرازه به انتهای کاغذها چسبانده شده و اضافه ی شیرازه به جلد متصل می شود. عرض شیرازه بیشتر از ضخامت کاغذهاست. در بیشتر جلدهای شمیز از این روش استفاده می شود.  
2- روش دوخت: کاغذها در دسته های پنج و شش تائی خم شده انتهای آنها به شیرازه دوخته می شود. این روش برای صحافی کتابهای ضخیم مناسب است. بیشتر جلدهای مقوائی و ضخیم با این روش درست می شوند.

**تذهیب و تشعیر**

تذهیب در اصطلاح به معنی زراندود کردن و طلاکاری است و بخاطر اینکه در گذشته از آب طلا جهت تزئین سطور و داخل صفحات استفاده می کردند به عنوان تذهیب معروف شد. از تذهیب جهت تزئین خوشنویسیها، مینیاتورها و جلدها با نقوش الهام گرفته از طبیعت، ولی کاملاًً تجریدی، منظم و هندسی و رنگهای معدنی و گیاهی استفاده می شود. در اوایل دوره اسلامی، تذهیب برای تزئین و جداسازی آیات قرآن مجید، در سده سوم و چهارم با نقوش ساده و بی پیرایه، در سده ششم و هفتم متین و منسجم، در سده هشتم با شکوه و مجلل، در سده نهم و دهم ظریف و پرمایه و در سده یازدهم و دوازدهم به اوج تنوع و تعدد مکاتب خود رسیده است (تصاویر 34(



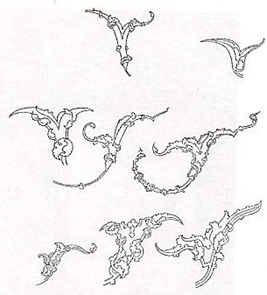
)تصاویر 34(

**ابزار و مواد نگارگری، تذهیب و تشعیر:**

1- قلم مو: معمولاً از قلم موی آبرنگ استفاده می شود که از موی گربه تهیه می شود. این قلم موها خود بر سه نوع هستند الف: قلم موی افشان جهت رنگ گذاری ب: قلم موی گندمی جهت پرداز پ: قلم موی شمشیری جهت قلمگیری.  
2- بوم: بومها می توانند از اجناس مختلف مانند فیبر سفید – چوب – کاغذ – مقوا – صدف و عاج باشند و قبل از کار باید بسته به جنس بوم زیر کار آن آماده شود.  
بومهای کاغذی را معمولاً بعد از نصب کاغذ بر روی زمینه (که معمولاً از جنس چوب یا فیبر است) آهار زده و با سنگ عقیق مهره می کشند. عمل مهره کشیدن بخاطر چسبیدن کامل کاغذ بر زمینه و خالی شدن حبابهای هوای زیر کاغذ انجام می شود. بعد از آن جهت نقاشی آماده می شود.  
در بومها از جنس استخوان یا عاج بخاطر وجود چربی در سطح آن، ابتداء کمی آب روی آن ریخته و با سمباده ی نرم روی آن را می کشند سپس از آب نبات، آب قند یا ژلاتین رقیق برای آماده کردن زمینه استفاده می کنند.  
3- رنگ: الف: رنگهای گیاهی مانند پوست گردو – چای و…  
ب: رنگهای معدنی مانند طلا – نقره – لاجورد – برنج و…  
ج: رنگهای شیمیائی  
رنگ گذاری: در رنگ گذاری از دو نوع رنگ جسمی و روحی استفاده می شود.  
رنگ جسمی: رنگهائی هستند با رنگدانه های درشت و پوشش زیاد مثل گوهاش و چون جسمی را از خود بر جای می گذارند به رنگ جسمی معروف شده اند. این رنگها خاصیت پوشانندگی دارند.  
رنگهای روحی: رنگهایی یا رنگدانه ی ریز و شفاف مثل آبرنگ.  
4- بست: چسبهائی هستند که در ترکیب با رنگ از آن استفاده می کنند. بیشتر از انواع صمغ درختان مانند صمغ عربی و کتیرا بدست می آید. از بستهای کریستالی و شکننده مانند «آب نبات» نیز استفاده می شود که باید با شیره ی انگور یا خرما مخلوط شود. بعضی از بستها حیوانی است که مخلوطی از استخوان، پوست، روده و شاخ تهیه می شود. و بعد از جوشانیدن آنها مایع بدست آمده را استفاده می کنند.

**نقوش تذهیب و تشعیر**

نقوش تذهیب و تشعیر عموماً تجریدی هستند و بعضاً از نقوش حیوانی – افسانه ای و بافتی نیز استفاده می شود. انواع این نقوش عبارتند از:  
1- انواع نقوش خلاصه ی شده ی طبیعی (تجریدی(  
الف: اسلیمی: شامل اسلیمی ساده، خرطومی، گلدار، دهن اژدری، ماری و… (تصویر 35(



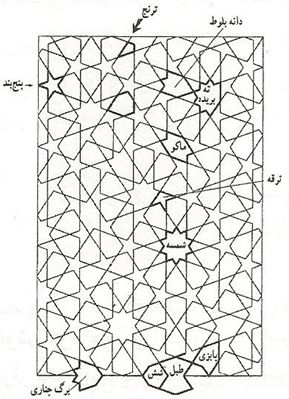
)تصویر 35(

ب: ختائی: نقوشی است که شکل آنها به طبیعت نزدیکتر است. اجزاء ختائی شامل گل – برگ – غنچه – و ساقه است (تصویر 36(



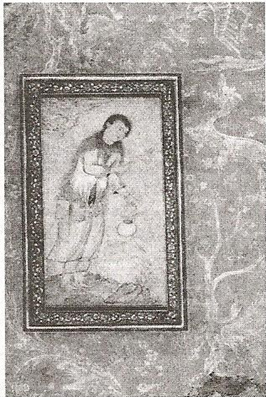
تصویر)36(

2- نقوش گره چینی: در ترسیم این نقوش از اشکال هندسی و کنار هم قرار دادن آنها به عنوان یک طرح کلی استفاده می شود. در ابتدا دیواره و محیط اصلی اندازه گیری می شود. و بعد از آن زیر نقش یا نقش کلی ترسیم می شود (تصویر )37(



تصویر )37(

3- نقوش بافتی: نقوش نامنظم از سطوح نامنظم اشیاء را گویند که از پراکندگی نامنظم رنگ بر روی کاغذ شکل گرفته و بیشتر در تذهیب و تشعیر مورد استفاده قرار می گیرد مانند کاغذ ابر و باد.  
4- نقوش تشعیر: تشعیر از «شعر» به معنای مو گرفته شده است چرا که از خطوط به نازکی و باریکی یک مو استفاده می شود. وقتی نقوش گل گیاه به همراه نقوش حیوانی تلفیق شده و در اطراف مینیاتورها و یا در زمینه و در حاشیه ی خوشنویسی استفاده شود به آن تشعیر می گویند. از اواخر دوره ی مغول گرایش تشعیر سازان به خلق طرحهای طبیعی آشکار و زمینه ی عنوان نوشته ها با نقوش گل و برگ تزئین می شود. گرایش به نقوش طبیعی در نسخه های دوره ی تیموری نیز دیده می شود. در دوره ی صفویه طرحهای تشعیر طلائی بوده و در نمونه های غنی از رنگهای طلائی و نقره ای استفاده می شود. در اوایل قرن نهم نقوش حیوانی مانند اژدها، ققنوس، حواصیل، پلیکان، شیر، میمون، مار و پرندگان به سبک چینی به چشم می خورد. (تصویر 38) از اساتید معاصر تذهیب و تشعیر و مینیاتور می توان به این نامها اشاره کرد: استاد محمود فرشچیان، استاد جمالپور، هاشم ظرفیان، اردشیر تاکستانی، محمد باقر آقامیری، محمد علی رهبری، باقری، مجید مهرگان و….



تصویر) 38(

**روش کار**

روش کار در نگارگری پس از آماده شدن بوم و طرح مورد نظر، آن را بر روی بوم منتقل کرده و قلم گیری می کنند (منظور از قلم گیری طراحی خطوط با استفاده از قلمو و رنگ که دارای خطوطی پهن و باریک تند و کند است) پس از آن در صورت استفاده از رنگ طلا، طلااندازی شده و زمینه رنگ می شود. پس از رنگ زمینه ساخت و ساز طرحها آغاز می شود و پس از پردازش طرحها و ظرایف آن بخصوص صورت و گل و مرغ در نهایت با جدول کشی یا کادر بندی کار به اتمام می رساند. روش کار در تذهیب کاری بدین صورت است که پس از آماده سازی بوم و رنگ زمینه آن، طرح که معمولاً بر اساس یک واگیره است به بوم منتقل شده و پس از قلم گیری و سپس پرداز عناصر کار به اتمام می رسد.  
منظور از واگیره طرحی است که از تکرار آن نقش مورد نظر را پر می کنند و منظور از پرداز روشی است که برای سایه روشن و بافت بوسیله ضربه های نوک قلم انجام می شود.